

آموزش دستور زبان فارسی در دانشگاه، چالش‌ها و راهکارها

دکتر مریم مجیدی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

چکیده

بررسی مشکلات آموزش واحد درسی «دستور زبان فارسی ۱» در دانشکده‌های گوناگون بیانگر وجود معضلاتی در تدریس این واحد درسی است که می‌توان آن را در دو سطح منابع انسانی و منابع درسی بررسی کرد. بحث منابع انسانی به دو متغیر یعنی مدرس و دانشجو اختصاص می‌یابد. بدیهی است که پاسخ معضلات این حوزه را باید خارج از واحد درسی دستور زبان بررسی کرد. بحث منابع درسی، متضمن بررسی معضلات متون درسی دانشگاهی است که به باور نگارنده، ایراد اساسی آن، اختلاف اصطلاحات درسی و شیوه آموزش در این متون در مقایسه با منابع درسی دوره متوسطه عمومی است.

نگارش این مقاله کوششی است در پاسخ به معضلات متون درسی «دستور زبان فارسی» در دانشگاه‌ها که در حیطه واحد درسی «دستور زبان فارسی» قابل بررسی و اصلاح است. این معضل از راه‌های بررسی مشکلات کتاب‌های درسی دوره متوسطه عمومی و کتاب‌های دانشگاهی، پیدا کردن موارد اختلاف و رایه شیوه واحد، حل شدنی است. از این رو، هدف این مقاله، دستیابی به طرحی برای هماهنگ‌سازی اصطلاحات دستوری و رایه شیوه‌ای واحد در تبیین مفاهیم دستور زبان فارسی با تکیه بر کاربرد در فراگیری متون ادب فارسی است.

کلیدواژه‌ها: آموزش، دستور زبان فارسی، اختلاف دیدگاه‌ها، کتاب‌های درسی دستور زبان فارسی، مقوله‌های دستوری.

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۷/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۱۱/۲۰

Email : maryamemajidi @ Yahoo. Com

مقدمه

واحد درسی دستور زبان فارسی ۱ و ۲ در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در همه واحدهای دانشگاهی در نیمسال‌های اول و دوم تحصیل به دانشجویان ورودی هر سال ارائه می‌شود. تفاوت متون درسی دانشگاهی با محتوای درسی این مبحث در دبیرستان، همواره موجب سردرگمی دانشجویان است. این سردرگمی بیشتر به بی‌علاقگی و گریز آنان از این مبحث می‌انجامد. عامل اساسی این نقیصه را در اختلاف اصطلاحات دستوری در متون دانشگاهی در مقایسه با یکدیگر و نیز در مقایسه با متون دبیرستانی می‌توان جست و جو کرد.

داده‌های این مقاله بر اساس تجربیات تدریس واحدهای درسی دستور زبان فارسی ۱ و ۲ به شیوه آمارگیری از نتایج آزمون‌های میان‌ترم و پایانی هر نیم‌سال و سنجش پیشرفت تحصیلی دانشجویان شکل گرفته است. به منظور دسترسی به این داده‌ها، از دانشجویان درس «دستور زبان ۱» در هر نیم‌سال تحصیلی، تحقیقی براساس مقایسه آموخته‌های دوره متوسطه عمومی و متون دانشگاهی دریافت شد. نتایج حاصل از بررسی این پژوهش‌ها، با تمام کاستی‌های احتمالی موجود در آنها، بیانگر مشکلات فراگیری درس دستور زبان فارسی بوده است. مبنای مقایسه میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان در این طرح، در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. موفقیت دانشجویان در آزمون‌های پایانی و ارتقای سواد عمومی آنان در مقایسه با آزمون‌های میان‌ترم و پیش‌زمینه‌ای که از دوران تحصیلات متوسطه داشته‌اند. لازم به این یادآوری است که مباحث کلی دستور زبان فارسی در دبیرستان و دانشگاه یکسان است و این ماده درسی در دانشگاه فقط با وسعت بیشتر و تکیه بر فهم بهتر متون ادب فارسی تدریس می‌شود. در نتیجه فرض بر

آن است که دانشجویان ورودی جدید هر سال تحصیلی که مفاهیم دستور زبان فارسی را به طور کامل در دبیرستان آموخته و برای شرکت در آزمون ورودی دانشگاه، به نکات مهم نیز توجه کرده‌اند، نباید در آموختن این واحد درسی با مشکل مهمی رو به رو باشند؛ حال آن‌که تجربه تدریس عموم مدرسان این واحد، حکایت از نتایجی مغایر با این فرض دارد.

۲. دومین مبنای مقایسه در این ارزیابی، تفاوت شیوه‌های تدریس این واحد درسی در دبیرستان و دانشگاه بوده است. بخشی از این متغیر مربوط به شیوه‌های فردی مدرسان است که به طور حتم ملاک سنجش مؤثری برای ارزیابی آن در دست نیست. بخش دیگری از این متغیر، مربوط به اختلاف متون درسی دوره متوسطه عمومی و متون دانشگاهی است. در این مقاله کوشیده‌ام براساس متغیر اخیر، داده‌های خود را تحلیل نمایم.

۳. از آنجا که ملاک تدریس در مؤسسات آموزش عالی، سرفصل مصوب وزارت علوم و تحقیقات و فناوری است، با ارایه راه‌حل‌های پیشنهادی کوشیده‌ام که تمامی راهکارها کاملاً متناسب با این سرفصل و سیاست‌های کلی آموزش عالی ارائه شود.

این مقاله در سه بخش و یک نتیجه‌گیری به معضلات واحد درسی دستور زبان در دانشگاه می‌پردازد. بخش نخست متضمن نیازسنجی در گزینش متون درسی برای واحد درسی دستور زبان فارسی در مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فارسی است. بخش دوم شامل کاستی‌های متون دبیرستانی است و بخش سوم به اختلافات اصطلاحات دستوری در متون دانشگاهی اختصاص دارد. در نتیجه‌گیری به هدف این طرح - که ارایه راهکارهای عملیاتی به منظور رفع یا کاهش مشکلات موجود است - اشاره شده است.

نگارش این مقاله بر اساس تألیف طرح پژوهش «بررسی اختلافات اصطلاحات دستوری در آثار دستور نویسان معاصر» شکل گرفته است.

نیازسنجی در گزینش دستور زبان فارسی در مقطع کارشناسی در مقایسه با دوره متوسطه عمومی

هدف از تدریس نظام‌مند دستور زبان فارسی

هدف از تدریس دستور زبان فارسی در دوره متوسطه عمومی، بهتر نوشتن و پیشرفت مهارت نگارش توصیف شده است (حق شناس ۱۳۸۶: مقدمه سال اول). به این ترتیب گنجانیدن درس انشا در این دوره موضوعیت می‌یابد.

هدف از آموزش واحدهای دستور زبان ۱ و ۲ در رشته زبان و ادبیات فارسی در کتاب‌های گوناگون دستور زبان، ایجاد توانایی درست خواندن و درست نوشتن زبان فارسی و تشخیص عملکردهای درست زبانی قید شده است. (احمدی گیوی و انوری ۱۳۸۰: هفت؛ خطیب رهبر ۱۳۸۱: ۹؛ وحیدیان کامیار ۱۳۸۶: ۱-۲)

در یک بررسی کلی چنین به نظر می‌آید که تبیین هدف در مقطع متوسطه، با نیاز عمومی دانش‌آموزان سازگار است، ولی این هدف در دانشگاه نیاز به توضیح بیشتری دارد. شاید بهتر باشد پرسش را از موضوعیت آموزش زبان و ادبیات فارسی آغاز کنیم؛ زیرا آموزش در دانشگاه براساس نیازهای شغلی فراگیران و میزان کارآیی آنها در مشاغل زبان حال یا آینده آنان تعریف می‌شود. حال پرسش اینجاست که چه کسانی زبان و ادبیات فارسی می‌خوانند و آینده شغلی آنان چیست؟

در شرایط کنونی می‌توان آینده شغلی فراگیران زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی را در سه حوزه دسته‌بندی نمود:

(۱) آموزش

براساس آماری که برای نگارش این مقاله تهیه شده است، تقریباً ۹۰ درصد دانش‌آموختگان زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی به تدریس می‌پردازند. به طور حتم فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی بیشترین فرصت‌های شغلی را در تدریس در مقطع دبیرستان به دست می‌آورند و این امر خود به این معناست که

آنان در آینده شغلی خود، هر روزه با مفاهیم دستور زبان فارسی سر و کار خواهند داشت و مهارت آنها در تدریس این مقوله، در گرو درک عمیق و مفهومی آنان از این ماده درسی است. نکته حایز تأمل آن است که این افراد در رشته دبیری زبان و ادبیات فارسی تحصیل نکرده‌اند.

(۲) ویرایش

۳۸ درصد از دانش‌آموختگان زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، منحصراً به امور مربوط به ویرایش متون زبان فارسی در دانشنامه‌ها، دایرةالمعارف‌ها، نشریات و مؤسسات انتشاراتی می‌پردازند. با فرض این که این افراد خود مؤلف نباشند و فقط به ویرایش آثار دیگران بپردازند، با قاطعیت می‌توان حکم کرد که این افراد نیز در تمام لحظه‌های کار خود، با دستور زبان فارسی سر و کار دارند.

(۳) پژوهش

حدود ۹۰ درصد از دانش‌آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی در کنار شغل تدریس، با پژوهش نیز سر و کار دارند. فعالیت‌های پژوهشی این افراد در دو گروه طبقه‌بندی می‌شود:

- پژوهش‌های فردی

منظور از این گونه پژوهش، نوشتن کتاب، مقاله، ترجمه و نقد ادبی است. به‌طور حتم نویسندگان آثار ادبی در هر زمینه‌ای، درک عمیقی از مفاهیم دستور زبان فارسی دارند.

- پژوهش‌های سازمان‌یافته

منظور از پژوهش‌های سازمان‌یافته در حوزه زبان و ادبیات فارسی، همکاری با نهادها و سازمان‌هایی است که به تألیف منابع مرجع در زبان و ادبیات فارسی اشتغال دارند. در ادامه به فعالیت برخی از این نهادها اشاره می‌شود:

الف) سازمان لغت‌نامه دهخدا

هدف این سازمان در زمان حاضر، روزآمد کردن لغت نامه دهخدا، سازگار کردن آن با نیازهای پژوهشگران امروز و گزینش مدخل‌هایی است که در ویرایش پیشین لغت نامه، هنوز وضع نشده و یا به احتمال زیاد از قلم افتاده‌اند. نگاهی به شیوه‌نامه این سازمان در بخش‌های مربوط به روند انتخاب مدخل، شواهد مثال و تدوین متن کهن، نشانه میزان نیاز پژوهشگران به تسلط بر دستور زبان فارسی است.

ب) فرهنگستان زبان و ادب فارسی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی مجموعه‌ای از گروه‌های تخصصی در زمینه پژوهش در زبان و ادبیات فارسی و همچنین گروه تخصصی واژه‌گزینی است.

به جز دو گروه تخصصی ادبیات معاصر و دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند، که غیر مستقیم با دستور زبان فارسی سر و کار دارند، گروه‌های پژوهشی دیگر که عبارتند از: دانشنامه زبان و ادب فارسی، گروه دستور زبان، گروه زبان‌های باستانی، گروه فرهنگ‌نویسی، گروه زبان‌شناسی و همچنین گروه مستقل واژه‌گزینی، در اجرای اهداف پژوهشی، نیازمند همکاری پژوهشگرانی هستند که به دستور زبان فارسی تسلط کامل داشته باشند.

یکی از مشکلات تألیف مقاله در هر نوع دانشنامه زبان و ادب فارسی، نداشتن راهکاری فراگیر در تألیف مدخل‌های دستور زبان فارسی است، به این معنا که مؤلفان مدخل‌های دستور زبان فارسی هر کدام با تکیه بر نگرشی متفاوت در دستورنویسی (نگرش سنتی، نگرش زبان‌شناختی و یا نگرش تلفیقی)، به تألیف مقالات خود می‌پردازند و این امر خود موجب اختلاف روش در تألیف دانشنامه‌هاست.

ج) مؤسسه‌های پژوهشی خصوصی

در شرایط کنونی بنیادهای انتشاراتی با همکاری پژوهشگران به کار تألیف متون مرجع در زمینه زبان و ادبیات فارسی اشتغال دارند. از این میان می‌توان بنیاد دانشنامه فارسی، بنیاد احمد شاملو (بخش تألیف کتاب کوچک) و انتشارات سخن را نام برد.

ناگفته پیداست که کار پژوهشی درباره فرهنگ‌های اصطلاحات، زبان عامیانه و حتی امثال و حکم فارسی، بدون اشراف بر دستور زبان فارسی امکان‌پذیر نیست.

با توضیحات ارایه شده، لزوم ارایه شیوه واحد در دستور زبان فارسی، در ابعاد علمی آن روشن می‌شود. این مقاله هدف از آموزش دستور زبان فارسی را نه فقط به صورت امری انتزاعی - که همان درک بهتر زبان فارسی است - که به صورت امری عملی و مهارتی رفتاری در ایجاد آینده شغلی بهتر و کارآمدتر برای دانش‌آموختگان زبان و ادبیات فارسی در نظر داشته است.

تعریف زبان

تعریف زبان، به گونه‌ای که مورد پذیرش زبان‌شناسان و دیگر دانشمندانی باشد که با زبان و مطالعات مربوط به آن سر و کار دارند، امکان‌پذیر است. این اشکال ناشی از طبیعت زبان است. زبان پدیده پیچیده‌ای است که مطالعات مربوط به آن را نمی‌توان به قلمرو خاصی محدود کرد، زیرا زبان جنبه‌های گوناگونی دارد:

الف) زبان تنها وسیله‌ای است که می‌تواند افراد جامعه را به هم پیوند دهد.

زبان مهم‌ترین نهاد اجتماعی است و جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان به خود حق می‌دهند که آن را از دیدگاه خودشان تعریف کنند.

ب) زبان وسیله بیان افکار و احساسات ماست.

زبان مؤثرترین وسیله‌ای است که جهان اندیشه و دنیای درون ما را با جهان بیرون پیوند می‌دهد. زبان و الگوهای زبانی چنان با افکار و احساسات ما آمیخته‌اند که تجزیه آنها غیرممکن است و این امر خود منشأ کمکش علمی است که آیا فکر بدون زبان می‌تواند وجود داشته باشد یا نه.

ج) زبان یکی از جنبه‌های رفتار انسانی است (انسان، حیوان ناطق است).

زبان با جهان ذهنی انسان و رفتارهای او پیوند تنگاتنگ دارد و از این رهگذر، روان‌شناسان - که مطالعه دنیای درونی انسان را حق خود می‌دانند - به خود حق می‌دهند که زبان را از دیدگاه خود بنگرند.

د) زبان محمل اندیشه انسان‌هاست.

زبان مورد توجه خاص فیلسوفان و منطقیان است. فعالیت فیلسوفان برای شناخت دنیای بیرون و درون انسان از دو سو به زبان محدود می‌شود: از یک سو زبان فیلسوف میدان اندیشه او را محدود می‌کند و از سوی دیگر، فیلسوف مجبور می‌شود اندیشه‌های خود را به زبان خود جاری سازد و به این ترتیب، زبان، محدودیت‌هایی را به او تحمیل می‌کند.

در زمینه منطقی باید یادآور شد که مباحث منطقی در حقیقت مباحث زبانی‌اند. مبانی منطقی از زبان استخراج شده‌اند و کسانی تا آنجا پیش رفته‌اند که گفته‌اند مردمی که زبان متفاوت دارند، دارای منطقی متفاوت هستند.

ه) زبان وسیله اجرای اهداف و سایل ارتباط جمعی است.

زبان وسیله‌ای است که رسانه‌های جمعی از طریق آن با جهان پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کنند. در این حوزه مهندسان ارتباطات درباره خصوصیات فیزیکی صداها و چگونگی اثرگذاری آنها در زبان‌های گوناگون بررسی می‌کنند تا بدانند صداها از فاصله‌های دور در دستگاه‌هایی چون تلفن، رادیو،

تلویزیون، بلندگو و غیره، چه اثری بر شنونده می‌گذارند و ابعاد تأثیر آنها تا کجا گسترش می‌یابد.

(و) زبان وسیله ارتباط انسان و ماشین است.

زبان وسیله ارتباط انسان امروزی با ماشین است. در این حوزه، ریاضی‌دانان به همراهی زبان‌شناسان می‌کوشند که زبان را از دیدگاه ریاضی مطالعه کنند، زیرا هر برنامه‌ای که برای ماشین تهیه می‌شود، باید به زبان ریاضی باشد تا برای ماشین قابل درک باشد و از سویی این برنامه باید به زبان انسان نیز قابل درک باشد زیرا در نهایت این انسان است که با ماشین کار می‌کند. (عنوان‌ها برگرفته از باطنی ۱۳۷۸: ۱-۳)

تعریف دستور زبان و فایده آن

از بررسی تعاریفی که پیش‌تر آمد، در می‌یابیم که زبان، انواع گوناگون دارد و در سطوح گوناگون به وسیله افراد گوناگون با تخصص‌های گوناگون، پیرامون آن بررسی و دقت نظر شده است. حال اگر فرض را بر آن بگذاریم که دستور زبان به معنی مطالعه علمی قوانین حاکم بر یک زبان است؛ به ناچار باید در تعریف دستور زبان نیز در ابتدا مشخص کنیم هدف ما از زبان، کدام زبان در کدام حوزه است.

از مجموع تعاریف پیشین، موارد نخست و دوم بیشتر از سایر موارد با مفهوم زبانی که در گستره ادبیات هر ملتی مطرح می‌شود، نزدیکی دارد. وقتی منظور ما از زبان، وسیله ایجاد ارتباط افراد جامعه با یکدیگر و نیز محمل عواطف و اندیشه‌های آنان باشد، به طور حتم می‌توان حکم کرد دانش دستور زبان، دانش بررسی ساختمان و چگونگی کاربرد قوانین حاکم بر آن زبان است؛ و از آنجا که اندیشه‌ها و عواطف بشر همواره در قالب ثابتی ابراز نمی‌شود، دانش دستور باید از انعطاف‌پذیری قابل توجهی در شناخت قوانین در سطوح گوناگون زبان

(عامیانه، رسمی، ادبی) برخوردار باشد.

از بررسی دستگاه هر زبانی به واحدهای گوناگونی می‌رسیم، ولی از آنجا که مهم‌ترین، اساسی‌ترین و اصلی‌ترین هدف هر زبانی، ایجاد ارتباط و پیام‌رسانی است، و پیام‌ها از طریق جمله منتقل می‌شوند، می‌توان گفت مهم‌ترین، بزرگ‌ترین و حقیقی‌ترین واحد زبان، جمله است. به این ترتیب می‌توان ادعا کرد که دستور زبان، شیوه بررسی قواعد و قوانین حاکم بر جمله در یک زبان است.

فایده دستور زبان، تسلط بر اجزای زبان و افزایش توان درک روابط زبانی است. نکته قابل توجه آن است که زبان شکل ثابت و واحدی ندارد (باقری ۱۳۸۴: ۱۷-۱۹) و این امر در آموزش رشته زبان و ادبیات فارسی اهمیت بالایی دارد؛ زیرا فراگیران این رشته در تمامی مقاطع تحصیلی با گونه‌های مختلف زبان فارسی در طول تاریخی هزار و دویست ساله سر و کار دارند و بدون تردید درک مطالب معاصر و کهن به هر دو مهارت نیاز دارند.

با توجه به این‌که ملاک تدوین کتاب‌های دستور زبان فارسی در دوره متوسطه عمومی و نیز کتاب‌های دانشگاهی، صورت رسمی زبان معیار است (احمدی گیوی ۱۳۸۰: هفت؛ باطنی ۱۳۷۸: ۱۲؛ وحیدیان کامیار و عمرانی ۱۳۸۶: ۵)، به ناچار بخش‌هایی از دستور زبان فارسی که بر روابط حاکم بر صورت‌های کهن زبان فارسی دلالت دارد، در مبحث دیگری به نام «دستور تاریخی زبان فارسی» تدریس می‌شود.

از آنجا که تدریس درس دستور زبان فارسی در رشته زبان و ادبیات فارسی در کنار سایر دروس این رشته و از جمله متون نظم و نثر کهن صورت می‌گیرد، در طول تدریس این واحد درسی به صورت هم‌زمان باید مباحثی از دستور زبان معیار و تاریخی در کنار هم تدریس شود.

تفاوت دستور زبان برای دانشجویان زبان‌شناسی و ادبیات فارسی هدف از آموزش دستور زبان به فراگیران رشته زبان‌شناسی، آشنایی آنان با روح قوانین حاکم بر زبان‌های بشری، به طور عام است، و هرگز آموزش دستور زبان به این گروه از فراگیران تا حد درک بهتر متون معاصر و کهن یک زبان گسترش نمی‌یابد (باطنی ۱۳۷۸: ۸). به بیان دیگر، می‌توان گفت در زبان‌شناسی، درباره روابط حاکم بر زبان بحث می‌شود و در این بحث، مقوله معنایی زبان جایی ندارد.

با توجه به این توضیحات، مقوله دستور تاریخی زبان در زبان‌شناسی جایی ندارد، زیرا مباحث زبان‌شناسی، در زبان معیار مصداق می‌یابد؛ حال آن‌که بنابر توضیحات پیشین، اساس آموزش دستور زبان فارسی به فراگیران زبان و ادبیات فارسی، درک بهتر متون ادبی معاصر و کهن و نزدیک شدن دانشجو به روح مفاهیم در ادبیات فارسی است. به این ترتیب، آموزش کتاب‌های دستور زبان که براساس معیارهای زبان‌شناسی نوشته شده‌اند، به فراگیران واحد دستور زبان فارسی ۱ و ۲، روند آموزش این درس را از هدف اصلی آن دور می‌سازد.

درس سبک‌شناسی (شامل ۴ واحد درسی؛ ۲ واحد سبک‌شناسی نثر و ۲ واحد سبک‌شناسی نظم نیز از مجموعه دروسی است که پیش‌نیاز تدریس آن در دوره کارشناسی، دستور زبان فارسی ۱ و ۲ است.

ملاک‌ها و ویژگی‌های سبک سخن عبارتند از:

- جنبه معنایی
- جنبه زبانی شکل
- جنبه روان‌شناختی (عبادیان ۱۳۶۸: ۴۵)

از این میان، جنبه زبانی شکل، عاملی است که در پیوند تنگاتنگ با سبک

سخن است. این عامل چنین تعریف می‌شود:

از نظر سبک شناسان، وحدت بارز و فردیت ریختار (شکل) سخن، آن چیزی است که به آن محتوای سبکی می‌بخشد. زبان‌شناسی خصلت بارز سبکی یک متن زبانی را در شکل و وسایل زبانی خاصی می‌جوید که در محدوده متن و بافت آن برخوردار از نوعی بسامد باشد و در ساختار سخن متن، نقش برجسته ایفا کند. از این رو ملاک سبک در مزیتی دیده می‌شود که به این یا آن نوع کلام (اسم، فعل، صفت،...) یا به برخی خصوصیات نحوی (جمله‌های ساده، پایه و پیرو، کوتاه و دراز و جز آن) داده شده باشد. درباره بسامد انواع کلام در سخن کوشیده‌اند برای کثرت هر یک از آنها حالتی فرض کنند؛ برای جمله اسمیه، برجایی و بی‌راستایی، برای جمله فعلیه، رویداد و گرایش و غیره. نظر دیگر حاکی از آن است که بسامد بالای فعل و اسم و صفت، تداعی‌کننده «جنبانی» و «وضعیت» و «تأثیر» است. (عبادیان ۱۳۶۸: ۴۷ - ۴۸).

با این استدلال می‌توان نتیجه گرفت که تدریس دستور زبان به شیوه متداول در واحدهای زبان‌شناسی در حوزه دروس زبان و ادبیات فارسی کاربردی ندارد و پاسخگوی نیازهای درسی بعدی دانشجویان در گذراندن واحدهای درسی دیگر نخواهد بود.

کاستی‌های متون درسی دستور زبان فارسی در دوره متوسطه عمومی ریشه بسیاری از مشکلات فراگیری دانشجویان در رشته‌های گوناگون دانشگاهی را می‌توان در تطابق نداشتن محتوای درسی دوران دبیرستان با متون دانشگاهی پی‌گرفت. در این میان، بحث روزآمد بودن محتوای درسی در هر دو مقطع تحصیلی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

در دهه اخیر بارها محتوای درس کتاب‌های دوره متوسطه و نیز نظام آموزشی متوسطه عمومی تغییر یافته است. این در حالی است که سر فصل مصوب وزارت

علوم و تحقیقات و فناوری در دوره کارشناسی، تغییر محتوایی نداشته و به دنبال آن، متون درسی دانشگاهی، به ویژه در حوزه علوم انسانی و منحصرأ در رشته زبان و ادبیات فارسی، یا همان متون دهه پیشین است و یا متون جدیدی با همان نگرش‌های پیشین نگاشته شده است.

در ادامه به برخی مشکلات کتاب‌های زبان فارسی دوره متوسطه عمومی چاپ سال ۱۳۸۶ اشاره شده است:

الف - ناپیوستگی مطالب

کتاب زبان فارسی سال اول دبیرستان با تعریف زبان آغاز شده است (حق‌شناس ۱۳۸۶، سال اول: ۳-۶) که مطالب آن از نظر محتوایی در حوزه کلیات زبان‌شناسی می‌گنجد. پس از آن (همان: ۷-۱۲)، بحث جمله مطرح شده است که سرآغاز دستور زبان فارسی است و در ادامه (همان: ۱۳-۱۶)، مروری بر آیین نگارش دوره راهنمایی آمده است. به همین ترتیب تا پایان کتاب، مطالبی از این سه حوزه یعنی زبان‌شناسی، دستور زبان و آیین نگارش در پی هم قرار گرفته است. بین مطالب این کتاب:

- هیچ توضیحی نیامده است که نشان دهد این سه حوزه چه ارتباطی با هم دارند، در کجا مرز میان آنها پررنگ می‌شود و در کجا اشتراک موضوع دارند.

- روشن نمی‌شود که برای مثال، کدام درس دستوری در اجرای کدام درس نگارش، سودمند است. برای نمونه پس از درس الگوهای جمله (همان: ۱۷-۲۱)، درس نشانه‌گذاری (همان: ۲۲-۲۹) آمده است و پس از آن (همان: ۳۰-۳۳)، بحث شکل‌های زبان مطرح شده است، سپس کتاب به مقوله دستوری فعل پرداخته است (همان: ۳۸-۴۳) و ... در این میان، ربط مطالب با هم و کاربرد و فایده هر یک در دانستن دیگری مشخص نیست.

ب - تکرار

تمام مطالب کتاب «زبان فارسی ۱» در کتاب‌های زبان فارسی ۲ و ۳ نیز تکرار شده است، ولی در هر سال تحصیلی اندکی دامنه بحث گسترش یافته است.

در بند ۸ مقدمه دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی بر کتاب «زبان فارسی ۱» می‌خوانیم:

به دلیل روش خاص ارایه دستور زبان، ممکن است احساس شود در هر بخش موارد دستوری کامل گفته نشده است. این کار طی سه سال انجام خواهد شد؛ بنابراین، توصیه می‌شود مباحث دستوری به همان اندازه که در کتاب آمده است، مطرح شود نه بیشتر از آن. مباحث دستوری به تدریج در سال‌های بعد گسترش خواهد یافت. (حق‌شناس ۱۳۸۶، سال اول: مقدمه)

در نتیجه همچنان ایراد گسستگی مطالب بر کتاب‌های سال‌های بالاتر نیز وارد است. به این معنا که اصلاً معلوم نیست چرا مباحث دستوری گسترش می‌یابد و مباحث گسترده‌تر در هر سال تحصیلی، به کدام نیاز دانش‌آموز پاسخ می‌دهد.

ج - ناکافی بودن مطالب

در کتاب «زبان فارسی ۳» برای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی نیز همان مطالب دستوری، در لابه‌لای اطلاعات زبان‌شناسی و آیین نگارش گنجانده شده است. حال آن‌که دانش‌آموز ادبیات فارسی به مطالبی فراتر از سایر رشته‌های تحصیلی در حوزه دستور زبان فارسی نیازمند است. نکته قابل توجه آن است که در آزمون سراسری دانشگاه‌ها، همواره پرسش‌های درس دستور زبان فارسی با شواهد و گزینه‌هایی از متون ادبی فارسی مطرح می‌شود. برای مثال از داوطلب می‌پرسند در یک بیت شعر، چند متمم و یا چند صفت وجود دارد. حال آن‌که در سراسر متون درسی دوران دبیرستان تأکید بر آن است که مفاهیم دستوری

براساس زبان معیار فارسی امروز یعنی زبان رسانه‌های ملی و متن کتاب‌های درسی تنظیم شده است.

کوتاه سخن آن که دستور زبان فارسی همواره با جمله‌هایی چون: «هوا سرد است»، «علی آمد»، «دانش‌آموزان داستان زیبایی نوشته بودند»، تدریس می‌شود، ولی توقع برگزارکنندگان آزمون آن است که دانش‌آموز، آن مفاهیم را در ابیات حافظ و مولوی و .. تشخیص دهد.

د - ایرادهای محتوایی

- بعضی مباحث مهم دستوری مانند مسند، تمیز، صفت، مضاف‌الیه، فعل بی‌نهاد و فعل یک شناسه، در هیچ کدام از کتاب‌ها به تفکیک به صورت مدون مورد بحث قرار نگرفته است، سوای آن‌که دانش‌آموز رشته ادبیات به بحث مفصل در تمامی مقوله‌های یادشده نیازمند است. از سویی بین مطالب کتاب‌های دوره متوسطه عمومی در کلیه رشته‌ها و رشته ادبیات نیز تمایز محتوایی وجود ندارد، حال آن‌که هدف از آموزش دستور زبان فارسی به دانش‌آموز رشته ادبیات و سایر رشته‌ها به طور حتم متفاوت است.

- در هیچ کدام از کتاب‌ها قید نشده است که انواع واژه و نیز نقش‌های واژه در زبان فارسی چند تا و کدام است.

اختلافات اصطلاحات دستوری در متون دانشگاهی

شمار کتاب‌های دستور زبان فارسی متداول برای تدریس به دانشجویان مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فارسی بالغ بر ۱۰ عنوان است که تمامی آنها، بیش و کم، منابع مرجع این مقاله بوده‌اند. این آثار را از نظر محتوایی می‌توان به سه گروه مشخص تقسیم کرد که براساس جدول (۱) هر گروه محاسن و معایبی دارد.

جدول (۱): اختلافات دستوری در دستور زبان سنتی - گشتاری و تلفیقی

نوع کتاب	نمونه	محاسن	معایب
دستور زبان سنتی	دستور زبان پنج استاد - دستور زبان دکتر نادر وزین پور - دستور زبان دکتر خلیل رهبر و دستور زبان دکتر خانلری و دکتر طلعت بصاری	تکیه بر شواهد شعری از متون کهن فارسی - ایجاد مهارت در تجزیه و ترکیب متون ادبی	ناسازگاری اصطلاحات این متون با متون درسی دبیرستانی و با سایر متون دانشگاهی - تکیه بر صرف و نحو عربی - توجه نداشتن به زبان فارسی معیار
دستور زبان گشتاری	دستور زبان دکتر مشکوة الدینی - دستور زبان دکتر باطنی	بررسی روزآمد و علمی مقوله زبان با تکیه بر نظریه‌های امروزی زبان‌شناسان غربی	نیاز به فراگیری کلیات زبان‌شناسی به عنوان درس پیش‌نیاز که در محتوای درسی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی پیش‌بینی نشده است - نداشتن کارایی در درک بهتر متون ادب فارسی
دستور زبان تلفیقی	دستور زبان فارسی ۱ دکتر تقی وحیدیان کامیار و غلامرضا عمرانی	تکیه بر زبان معیار فارسی امروز و سازگاری مطلوب با محتوای آموزش متوسطه عمومی	توجه نداشتن به نیازهای دانشجوی زبان و ادبیات فارسی در تطبیق دستور زبان با درک متون ادبی و چرایی آموزش این واحد به گروه اخیر

اختلاف اصطلاحات دستوری در متون گوناگون

با مطالعه سه گروه کتاب دستور زبان فارسی که در جدول (۱) به آن‌ها اشاره شده است، در می‌یابیم نویسندگان این آثار بر سر مفاهیم پایه دستور زبان فارسی با یکدیگر اختلاف عقیده دارند. نمونه‌ای از این اختلاف‌ها عبارتند از:

الف - عدم توافق در شمارش انواع کلمه در زبان فارسی
 مبنای آموزش و فراگیری دستور زبان در هر زبانی ایجاد توان تجزیه و گانه است و هدف از این نوع تجزیه، در مرحله نخست، رسیدن به واژه‌های زبان است. در ادامه می‌بینیم که در کتاب‌های دستور معاصر، توافقی بر سر انواع

واژه‌ها در زبان فارسی وجود ندارد:

- شمارش انواع کلمات در زبان فارسی در دستوره‌های سنتی (گروه نخست) در دستور زبان پنج/استاد، اقسام کلمه در زبان فارسی ۹ نوع بر شمرده شده است که عبارتند از:

۱. اسم: شامل مقوله مضاف‌الیه، ۲. صفت، ۳. کنایات: شامل ضمیر، اسم اشاره، موصول، مبهمات، ادوات پرسش یا استفهام، ۴. فعل: شامل زمان‌های فعل، اسم مصدر، اسم فاعل و صفت فاعلی، اسم مفعول، حاصل مصدر، صیغه مبالغه، صفت مشبیه، ۵. عدد، ۶. قید، ۷. حرف اضافه، ۸. حرف ربط، ۹. اصوات.

در دستور زبان فارسی دکتر نادر وزین‌پور، انواع کلمه در زبان فارسی هفت نوع بر شمرده شده است که عبارتند از:

۱. فعل: شامل زمان‌های فعل و مقوله مصدر، ۲. اسم: شامل اسم مصدر و حاصل مصدر و مقوله مضاف‌الیه، ۳. صفت: شامل مقوله عدد، ۴. قید، ۵. ضمیر، ۶. حروف، ۷. صوت و شبه‌جمله.

در دستور زبان خانلری، انواع کلمه در زبان فارسی به روشنی بر شمرده نشده، ولی در فصل‌های کتاب، به ۴ نوع کلمه در زبان فارسی اشاره شده است: فعل، اسم، ضمیر، حرف: شامل حرف ربط، حرف اضافه و اصوات.

در دستور زبان دکتر خطیب رهبر کلمات ۸ نوعند: اسم، صفت، ضمیر، فعل، قید، حرف اضافه، حرف ربط، اصوات.

- شمارش انواع کلمات در زبان فارسی در دستوره‌های گشتاری (گروه دوم)

در دستور زبان فارسی دکتر مشکوة‌الدینی به این مقوله اشاره‌ای نشده است.

در دستور زبان دکتر باطنی مقوله‌های دستوری در سه گروه تعریف شده است:

گروه فعلی، گروه اسمی، گروه قیدی.

- شمارش انواع کلمات در زبان فارسی در دستوره‌های تلفیقی (گروه سوم)

در دستور زبان دکتر تقی وحیدیان کامیار، انواع واژه‌ها در چهار گروه تعریف شده است:

۱. گروه فعلی، ۲. گروه اسمی شامل وابسته‌های اسم که خود عبارتند از: صفت، مضاف‌الیه، شاخص، ممیز و متمم، ۳. ضمیر، ۴. گروه قیدی.
در دستور زبان انوری و احمدی گیوی، انواع واژه در هفت گروه تعریف شده است:

۱. فعل، ۲. اسم شامل مصدر، اسم مصدر، حاصل مصدر و نقش‌های اسم که خود در ۱۲ مقوله تعریف شده است، ۳. صفت، ۴. ضمیر، ۵. قید، ۶. شبه جمله و صوت، ۷. حرف.

ب- عدم توافق در شمارش نقش‌های کلمه در زبان فارسی

در مقوله اخیر نیز شاهد اختلاف بین دستورنویسان اعضای یک گروه و یا گروهی با گروهی دیگر هستیم.

هدف از مطالعه دستور زبان آن است که درک درستی از زبان پیدا کنیم و به‌طور قطع، یکی از راه‌های حصول این توانایی، ایجاد توانایی در تشخیص ارکان جمله است.

- شمارش نقش‌های کلمات در زبان فارسی در دستورهای سستی (گروه اول)
در دستور زبان فارسی پنج استاد (قریب ۱۳۶۳: ۲۱۳) از نقش‌های دستوری با عنوان ارکان جمله یاد شده است و عبارتند از: مسند‌الیه، مسند، رابطه.
در این تقسیم‌بندی هیچ اشاره‌ای به مفاهیمی چون مفعول و متمم و قید نشده است، ولی در بحث تجزیه و ترکیب (همان: ۲۲۲) در ترکیب جمله، این نقش‌ها نیز حضور دارند.

در دستور زبان خانلری (همان: ۲۳۵-۲۴۵) از ۶ نقش دستوری سخن به میان آمده است: نهاد، گزاره، مفعول، متمم، صفت، قید.

در دستور اخیر نیز هیچ اشاره‌ای به مفاهیمی چون مسند، تمیز، بدل و مضاف‌الیه نشده است.

در دستور زبان خطیب رهبر (خطیب رهبر ۱۳۸۱: ۱۴-۱۸)، ارکان جمله در ۵ مقوله تعریف شده‌اند که عبارتند از: فعل، فاعل، مفعول صریح، مفعول غیر صریح، قید. - شمارش نقش‌های کلمات در زبان فارسی در دستورهای گشتاری (گروه دوم)

در دستور زبان مشکوة‌الدینی (مشکوة‌الدینی ۱۳۷۹: ۱۲۳-۱۲۵)، نقش‌های دستوری در چهار مقوله تعریف شده‌اند: نهاد، گزاره، متمم، مفعول. در دستور زبان باطنی (باطنی ۱۳۷۸: ۷۵) ساختمان جمله از سه بخش تشکیل می‌شود: گروه اسمی، گروه فعلی، گروه قیدی.

- شمارش نقش‌های کلمات در زبان فارسی در دستورهای تلفیقی (گروه سوم)

در دستور زبان دکتر وحیدیان کامیار (وحیدیان کامیار ۱۳۸۶: ۹۵) از نقش‌های گروه اسمی در سه گروه کلی و ۹ زیر مجموعه، سخن به میان آمده است. نقش‌های گروه اسمی به ترتیب زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

۱. نقش‌های اصلی: الف) نهاد ب) مفعول ج) متمم د) مسند ه) منادا
۲. نقش‌های تبعی: الف) بدل ب) معطوف ج) تکرار
۳. نقش وابسته: مضاف‌الیه

نکته قابل توجه آن است که نویسنده توضیح نمی‌دهد به جز گروه اسمی، چه گروه‌های دیگری در زبان وجود دارد و نقش‌های آنها چیست. برای مثال از نقش صفت که بخش زیادی از مقوله اسم به آن اختصاص یافته است و نیز فعل یا گروه فعلی، هیچ سخنی به میان نیامده است.

در دستور زبان دکتر احمدی گیوی و دکتر انوری (احمدی گیوی ۱۳۸۰: ۱۱۱)،

نقش‌های اسم به نقش‌های اصلی و وابسته تقسیم شده‌اند که عبارتند از:
الف) نقش‌های اصلی: نهادی، مسندی، مفعولی، متممی، ندایی، تمیزی.
ب) نقش‌های وابسته: قیدی، وصفی (صفتی)، مضاف‌الیهی، بدلی، معطوفی، تأکیدی.

راهکارها

۱) لزوم پیشنهاد مقوله‌های دستوری براساس نیازهای پژوهشی دانش‌آموختگان زبان و ادب فارسی
نگاهی به مقدمه سه فرهنگ لغت بزرگ و معتبر زبان فارسی، *دهخدا*، *معین و سخن*، که پژوهشگران زبان و ادب فارسی هر روزه با آنها سر و کار دارند، خود بهترین دلیل برای تجدید نظر در ساختار کتاب‌های دستور زبان فارسی است.
نکته مشترک در مقدمه هر سه فرهنگ و همه فرهنگ‌های دیگر، جدول نشانه‌های اختصاری است. در هر سه کتاب در جدول نشانه‌های اختصاری به نشانه‌هایی که مبین انواع دستوری زیر است، برمی‌خوریم: اتباع - اسم صوت - اضافی (ترکیب) - اسم مصدر - حاصل مصدر - صفت - قید - فعل - لازم - فعل متعدی - موصول.
حال پرسش این است که چه کسانی به فرهنگ‌ها مراجعه می‌کنند و انتظار آنان از مطلبی که می‌یابند چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، نخست به موارد زیر توجه کنیم:
ذیل مدخل‌های آزادی - استادی - ایستادگی و .. در هر سه فرهنگ یادشده، توضیح «حاصل مصدر» آمده است.

نوع دستوری مدخل «بودن»، «مصدر لازم» قید شده است.
مدخل‌های «چک چک» و «تیک تاک» «اسم صوت» معرفی شده‌اند.
مدخل «پخت» «اتباع» معرفی شده است.
مدخل «اندیشیدن» «مصدر لازم» معرفی شده است...
هیچ کتاب دستور زبان فارسی نمی‌یابیم که همه انواع دستوری یاد شده، به همین معنی و با همین کاربرد در آن تعریف شده باشد. برای نمونه:

- در هیچ کدام از کتاب‌های دوره متوسطه عمومی و نیز در کتاب دستور زبان فارسی^۱ تقی وحیدیان کامیار، برای تدریس در دوره کارشناسی، نوع دستوری حاصل مصدر تعریف نشده است.
 - براساس کتاب وحیدیان کامیار (وحیدیان کامیار ۱۳۸۶: ۴۸)، مصدر «بودن» گذرا است.
 - به جز کتاب دستور زبان ۲ / احمدی گیوی و انوری (احمدی گیوی ۱۳۸۰: ۹۹ و ۱۰۲)، در هیچ کدام از کتاب‌های دستور زبان فارسی بررسی شده در این طرح، انواع دستوری «اتباع» و «اسم صوت» تعریف نشده است.
 - براساس منابع دبیرستانی (حق شناس ۱۳۸۶: سال اول ۵۰)، مصدر «اندیشیدن»، گذرا است.
 - بحث لازم و متعدی و گذرا و ناگذر در هیچ کدام از منابع دستور زبان فارسی تبیین شده است، به این معنی که گاه گذرا و ناگذر معادل فارسی لازم و متعدی خوانده شده است و گاه بی‌هیچ توضیحی در کاربردهایی متفاوت از این اصطلاحات استفاده شده است.
- حال به پاسخ پرسش بالا بر می‌گردیم. کسانی که به فرهنگ‌ها مراجعه می‌کنند، درصدد دریافت اطلاعات درست و دقیق هستند. بعضی از آنان فراگیران زبان فارسی هستند و برخی پژوهشگر. در هر دو صورت باید بپذیریم اگر قرار باشد هر مراجعه‌کننده‌ای به فرهنگ لغت، دستور زبان را در منابع دستور زبان فارسی آموخته باشد، توضیحات تمامی واژه‌نامه‌های موجود، موجب سر در گمی او خواهد شد.
- (۲) لزوم بررسی مشکلات دانشجویان در مطالعه دستور زبان برای شرکت در آزمون‌های تحصیلات تکمیلی
- آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی به صورت چهار گزینه‌ای برگزار می‌شود. پرسش اینجاست که ارزشیابی از طریق آزمون چیست و چه هدف‌هایی را دنبال می‌کند؟ «آزمون وسیله‌ای است عینی و استاندارد شده که برای اندازه‌گیری نمونه‌ای از رفتار یا خصایص آدمی به کار می‌رود. در این تعریف مراد از عینی آن است

که روش اجرا، نمره دادن و تعبیر و تفسیر نتایج آزمون براساس قواعدی معین و مشخص صورت می‌گیرد و قضاوت و نظر شخصی در آنها بی‌تأثیر است و برای هر آزمون دستورالعمل خاصی در مورد نحوه‌ی آرایه‌ی مثال‌ها و روش تفسیر نمره‌ها تهیه می‌شود... معرف بودن محتوای آزمون و قدرت تشخیص و پیش‌بینی آن بسته به این است که ماهیت و تعداد پرسش‌های آزمون با چه دقتی از میان پرسش‌های ممکن انتخاب شده و تا چه اندازه نمونه‌ی واقعی رفتار مورد نظر را مورد سنجش قرار می‌دهد.» (شریفی ۱۳۷۷: ۲۸)

از تعریف آزمون درمی‌یابیم:

الف - آزمون نمونه‌ای خاص از رفتار را می‌سنجد.

هیچ آزمونی در مقطع کارشناسی ارشد و یا دکتری دستور زبان فارسی نمی‌تواند به طور قطع معیار سنجش قرار گیرد؛ زیرا با توجه به اختلافات دستوری چشمگیر در مباحث پایه و نیز در جزئیات مباحث دستوری و همچنین توافق نداشتن در تدریس متن واحد، در هر دانشکده‌ای، متنی تدریس می‌شود که با متون دیگر در مواردی اختلاف و در مواردی مغایرت دارد.

ب - قضاوت مصحح در نتیجه‌ی آزمون خنثی تلقی می‌شود و ارزشیابی هر آزمونی ملاک‌های مشخصی دارد.

بر پا کنندگان آزمون نمی‌توانند دریابند که دانشجویی که گزینه‌ای خاص را برگزیده است، متنی متفاوت با دیگران را مطالعه کرده است یا خیر، درحالی که همین مصحح، به شرط اشراف بر محتوای آزمون، در تصحیح اوراق تشریحی، باید بتواند به سواد عمومی داوطلب در زمینه‌ی دستور زبان پی‌برد.

ج - سنجش اندازه‌ی واقعی توانایی داوطلب در هر ماده‌ی درسی، در گرو دقت طراحان در طرح پرسش‌های آزمون است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
با توجه به آنچه در بحث اختلافات اصطلاحات در مقوله‌های دستوری گفته شد، بی‌تردید نمی‌توان حکم کرد که پرسش‌های آزمون براساس موارد مشترک در تمامی کتاب‌های دستور زبان مطرح شده باشد.

حال پرسش اینجاست:

- داوطلبان باید کدام کتاب دستور زبان را مطالعه کنند؟

- آیا تمامی استادان درس دستور زبان فارسی، همان متن را تدریس می‌کنند؟

- ملاک‌های مشخص در تدوین پرسش‌های آزمون‌های دستور زبان فارسی را چه

مقام یا مقام‌هایی مشخص می‌کنند؟

- حد انتظار آزمون‌های دستوری زبان فارسی کارشناسی ارشد و دکتری از داوطلبان

این رشته کجا تعیین شده است؟

یادآوری این نکته ضروری است که در فهرست منابع آزمون کارشناسی ارشد منتشر

شده از سوی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، منابع درسی شرکت در آزمون

برای درس دستور زبان فارسی عبارتند از: دستور زبان پنج استاد، دستور زبان خیام پور،

دستور زبان دکتر خانلری، دستور زبان احمدی گیوی و انوری (با تکیه بر اهمیت هر

دو جلد).

در اینجا یکی از مهم‌ترین موارد نقض غرض در شیوه کنونی آموزش دستور زبان

فارسی رخ می‌نماید. توجه داشته باشیم که:

- چهار منبع نام برده شده در اصول کلی دستور زبان چون تعداد انواع واژه‌ها و

تعداد نقش‌های هر واژه در دستور زبان فارسی، و همچنین در نام‌گذاری و تعریف

اصطلاحاتی چون تمیز، مفعول، متمم، نهاد، گزاره، وجوه فعل، تنازع و در بسیاری

موارد دیگر با یکدیگر اختلاف و گاه تناقض دارند.

- بیش از ۹۰ درصد از داوطلبانی که در سال جاری (۱۳۸۶) در آزمون کارشناسی

ارشد شرکت می‌کنند، بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ از دبیرستان فارغ التحصیل شده‌اند.

این افراد در دوره متوسطه با نظام جدید آموزشی تحصیل کرده‌اند و این به آن معناست

که آنان با روش دستور زبان نویسندگان کتاب‌های دوره متوسطه عمومی، دستور زبان

فارسی را فرا گرفته‌اند و به این ترتیب پایه آشنایی آنان با دستور زبان فارسی، مباحثی

است که با منابع متناقض آزمون کارشناسی ارشد اختلاف بنیادین دارد.

- درصد قابل توجهی از این افراد در حرفه خود به تدریس در مدارس، ویرایش

متون ادبی و امور اجرایی نشر اشتغال دارند و به طور حتم در تمامی حوزه‌های نام‌برده، بحث دستور زبان به همان شیوه نویسندگان کتاب‌های درسی نظام آموزش متوسطه عمومی مطرح می‌شود، و این امر خود به این معناست که آموخته‌های دانشگاهی این افراد با نیازهای شغلی آنان سازگار نیست.

نتیجه

باتوجه به آنچه در این مقاله به آن پرداخته شد، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

الف - بازنگری سرفصل وزارت علوم و تحقیقات و فناوری و سازگار نمودن آن با مطالب روز آمد براساس نظام آموزش دوره متوسطه عمومی.

ب - نگارش کتاب دستور زبان فارسی توسط هیأتی از مؤلفان شاغل به تدریس در مراکز آموزش عالی برای استفاده ویژه دانشجویان زبان و ادبیات فارسی براساس نیازهای فراگیران این رشته در زمینه استفاده از فرهنگ‌ها و نیز کسب مهارت و ویرایش.

ج - برپایی کارگاه‌های بازآموزی و دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی به منظور آشنایی مدرسان دستور زبان فارسی در دانشگاه‌ها با محتوای آموزشی این درس در دوره متوسطه عمومی. لازم به یادآوری است که محتوای آموزشی در دوره متوسطه عمومی طی ده سال اخیر دو بار تغییر کلی کرده، در حالی که بیشتر منابع دانشگاهی در درس دستور زبان فارسی منابع دهه‌های پیشین است.

د - بازنگری در برخی مفاهیم دستوری همچون: مسند، تمیز، مفعول (جمله گذرا به مفعول و متمم)، متمم (اجباری-اختیاری)، اسم مصدر، حاصل مصدر، مضاف‌الیه، انواع اضافه، فعل (تعریف - فعل یک شناسه - فعل بی‌نهاد - وجوه فعل) و نمود فعل که پراختلاف‌ترین مباحث دستوری در کتاب‌های دستور زبان فارسی است.

ه - افزودن مباحث دستوری جدید و سازگار با زبان معیار به محتوای آموزشی دستور زبان در دانشگاه‌ها.

کتابنامه

- احمدی گیوی، حسن؛ انوری، حسن. ۱۳۸۰. *دستور زبان فارسی* (۲). چ ۱۴. تهران: فاطمی.
- انوری، حسن. ۱۳۸۲. *فرهنگ بزرگ سخن*. چ ۱. تهران: سخن.
- باطنی، محمدرضا. ۱۳۷۸. *توصیف ساختمان دستور زبان فارسی*. چ ۱۲. تهران: امیرکبیر.
- باقری، مه‌ری. ۱۳۸۴. *تاریخ زبان فارسی*. چ ۶. تهران: قطره.
- بصاری، طلعت. بی‌تا. *دستور زبان فارسی*. بی‌نا.
- حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران. ۱۳۸۶. *زبان فارسی (۱) سال اول دبیرستان*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- _____ . ۱۳۸۶. *زبان فارسی (۲) نظری، فنی و حرفه‌ای، کاردانش، سال دوم آموزش متوسطه*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- _____ . ۱۳۸۶. *زبان فارسی (۲) شاخه نظری به استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- _____ . ۱۳۸۶. *زبان فارسی (۳) نظری (رشته‌های ادبیات و علوم انسانی- علوم و معارف اسلامی)*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- خطیب رهبر، خلیل. ۱۳۸۱. *دستور زبان فارسی برای پژوهش دانشجویان و ادب‌دوستان در آثار شاعران بزرگ ایران*. تهران: مهتاب.
- خیام‌پور، عبدالرسول. ۱۳۶۸. *دستور زبان فارسی*. چ ۱۰. تبریز: نوین.
- شریفی، حسن پاشا. ۱۳۷۷. *اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی*. چ ۱۴. تهران: رشد.
- عبادیان، محمود. ۱۳۶۸. *درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی در ادبیات*. چ ۱. تهران: جهاد دانشگاهی تهران.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران. ۱۳۶۳. *دستور زبان فارسی پنج استاد*. به کوشش امیر اشرف‌الکتابی. چ ۴. تهران: سازمان انتشارات اشرفی.
- مشکوة‌الدینی، مهدی. ۱۳۷۹. *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*. چ ۴. مشهد: دانشگاه فردوسی.

لغت‌نامه دهخدا.

معین، محمد . ۱۳۶۴. فرهنگ فارسی. چ ۷. تهران: امیرکبیر.

ناتل خانلری، پرویز. ۱۳۸۰. دستور زبان فارسی. چ ۱۰، تهران: توس.

وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی. ۱۳۸۶. دستور زبان فارسی (۱). چ ۳. تهران: سمت.

وزین‌پور، نادر. ۱۳۷۰. دستور زبان فارسی آموزشی. چ ۲. تهران: معین.

